



The Legislative Policy Governing the Response to Sexual Crimes in the Legal System of Iran and England

Hosseinali Zohreh Manesh Rostami^{*1}, Behnam Ghanbarpour², Hasn Hajitabar Firoozjai³

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoly International Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 95-106

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2206-4702

TELL: +989111153345

Email:

behnamghanbarpor45@yahoo.com

Article history:

Received: 19 Nov 2021

Revised: 10 Jan 2022

Accepted: 04 Feb 2022

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Sexual Crime, Prostitution, Adultery.

ABSTRACT

The response system to sexual crimes is different according to the legislative policy of each country. In the Iranian legal system, the response system can be called jurisprudential and legal. English legal system is based on legal doctrine and judicial procedure. It seems that Iran's legal system has performed better in responding to these types of crimes, and the scope of sexual crimes is determined according to jurisprudence texts, and the conditions for proving these types of crimes and how to deal with them are also different. In English legal system, which is derived from the common law, any sexual behavior that takes place without consent is considered as a crime, and this standard is the same for all sexual crimes. The current research aims to investigate the legislative policy governing the response to sexual crimes in the legal system of Iran and England, using a descriptive and analytical method, and has reached the conclusion that the response to sexual crimes in the legal system of Iran is based on jurisprudence and in the British legal system is based on doctrine and judicial procedure.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Zohreh Manesh Rostami, H; Ghanbarpour, B & Hajitabar Firoozjai, H (2022). "The Legislative Policy Governing the Response to Sexual Crimes in the Legal System of Iran and England". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(1): 95-106.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

سیاست تقنینی حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم جنسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

حسینعلی زهره‌منش رستمی^{۱*}، بهنام قنبرپور^۲، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت الله املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد قایمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قایمشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قایمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قایمشهر، ایران.

چکیده

نظام پاسخ‌دهی به جرایم جنسی با توجه به سیاست تقنینی هر کشوری متفاوت است. در نظام حقوقی ایران، نظام پاسخ‌دهی را می‌توان فقهی و حقوقی عنوان داشت درحالی‌که در نظام حقوقی انگلیس، دکتین حقوقی و رویه قضایی معین می‌کند که جرایم جنسی به چه نحوی در محاکم پاسخ‌دهی شود. به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران، در راستای پاسخ‌دهی به این نوع جرایم، عملکرد بهتری داشته و گستره جرایم جنسی با توجه به متون فقهی، تعیین شده و شرایط اثبات این نوع جرایم و نحوه رسیدگی به آن نیز متفاوت می‌باشد؛ لیکن در نظام حقوقی انگلیس که بر گرفته از نظام حقوقی کامن‌لا است، هر رفتار جنسی که بدون رضایت صورت گیرد، جرم تلقی گردیده و این معیار برای همه جرایم جنسی یکسان است. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست تقنینی حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم جنسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان به روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه دست یافته که نظام حقوقی ایران بر مبنای فقهی و حقوقی و نظام حقوقی انگلیس نیز با توجه به دکتین و رویه قضایی به جرایم جنسی پاسخ‌دهی کرده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۰۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۲۰۶-۴۷۰۲

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۵۳۳۴۵

ایمیل:

behnamghanbarpor45@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم جنسی، فحشاء، زنا.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

پیشگیری از جرایم جنسی، همواره دغدغه اکثر قانونگذاران در کشورهای مختلف بوده است که الگوی پاسخدهی به این نوع جرایم در هر حقوق نوشته‌ای متفاوت است. مبارزه با این نوع جرایم در نظام حقوقی ایران متفاوت‌تر از سیستم حقوقی انگلیس است که از نظام حقوقی کامن‌لا پیروی می‌نماید. معمولاً وجه مشترکی نیز در این دو سیستم حقوقی در راستای مبارزه با این نوع جرایم دیده می‌شود که بر مبنای سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی حاکم هستند. الگوی پاسخدهی به جرایم جنسی می‌بایست علی‌رغم الگوی قانونگرایی بر اساس حمایت‌هایی شکل گیرد که مانع از ارتکاب این نوع جرایم شود. در حقوق ایران و انگلیس، به‌طور مشترک در راستای پاسخدهی به این نوع جرایم با سطوح مختلف پیشگیری همچون پیشگیری اولیه، ثانویه، ثالثه، کیفری، غیر کیفری، وضعی، اجتماعی، رشد مدار، مدیریتی و... روبه‌رو هستیم و این موضوع توانسته پاسخ مناسبی در راستای جرایم جنسی باشد. الگوی پاسخدهی به جرایم جنسی در حقوق ایران و انگلیس، از جهاتی متفاوت از یکدیگر است. این تفاوت در مبنای مقابله با این نوع جرایم است که در حقوق ایران مبتنی بر فقه امامیه و قرآن و همچنین روایات و احادیث است. این مبنای در حقوق انگلیس مطابق رویه قضایی و آرای محاکمی است که در خصوص جرایم جنسی اقدام به اصدار حکم نموده‌اند. در راستای پاسخدهی به جرایم جنسی، سازمان‌های مردم نهاد نیز در برخی جرایم جنسی مؤثر هستند. سیاست جنایی مشارکتی در راستای جرایم جنسی که الگوی مناسبی در جهت پاسخدهی به این نوع جرایم است، بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری است که به دو گونه کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا منفعل) قابل تقسیم است. هدف اصلی سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه در جرایم جنسی، پیشگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می‌شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرایم جنسی می‌باشد. به‌طور کلی در مقاله پیش‌رو به بررسی سیاست تقنینی حاکم بر پاسخدهی به

جرایم جنسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان از ابعاد مختلف قانونی پرداخته می‌شود.

۱- مفهوم شناسی

مفهوم شناسی، جزء لاینفک هر پژوهشی است که ذیلاً به دو اصطلاح پرکاربرد فحشا و جرم جنسی اشاره خواهد شد.

۱-۱- تبیین مفاهیم فحشا و جرم جنسی در حقوق ایران

فحشا در لغت به معنای معصیت، عمل زشت، بدی که از حد بگذرد یا زنا و نابکاری است (معین، ذیل کلمه). فحش و فحشا و فاحشه به معنای هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد (اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۰۵). در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنای وسیع به کار رفته است، مانند: «والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش؛ کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت و قبیح اجتناب می‌کنند». ابن منظور در تعریف این واژه می‌نویسد: فحشا به معنای گفتار و رفتار ناپسند و قبیح است و در احادیث بسیار دیده می‌شود که لفظ فاحشه به کار رفته است و منظور از آن، گناه و معصیتی است که زشتی و قبحش بسیار است (ابن منظور، ۱۳۷۶: ۱۰/۱۹۲).

همچنین ابن کثیر می‌نویسد: «در بسیاری از موارد، فاحشه به معنای عمل منافی عفت استعمال می‌شود». نظیر چنین تعریفی در مصباح المنیر نیز آمده است و جوهری صریحاً متذکر می‌شود که فحشا به معنای فاحشه و معادل آن است. فیروزآبادی، فاحشه را به معنای گناهان دارای قبح شدید و هرآنچه خدا از آن نهی کرده است، دانسته و فحشا را به معنی ندادن زکات تعریف کرده است (فیروزآبادی، بی‌تا: ۲/ ۴۱۱). نویسنده مجمع البحرین به این نکته اشاره دارد که فحشا به هر دو معنا (گفتار و رفتار قبیح و ناپسند و نیز بخل و خست) به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۴۷).

نویسنده التحقيق فی کلمات القرآن الکریم در این باره می‌نویسد که ریشه اساسی این کلمه، زشتی آشکار است و فرق این ماده با کلمات قبح، هجن، سوء، کراهت، فضح، ضر و فساد در این است که قبح در برابر حسن است، ولی این قید که در ظاهر باشد، اعم از اینکه در گفتار باشد یا رفتار و هجن

۲-۱- تبیین مفاهیم فحشا و جرم جنسی در حقوق انگلیس

قوانین انگلیس، طیف گسترده‌ای از رفتارهای جنسی و مرتبط با آن را جرم‌انگاری می‌کند و به پاسخ‌دهی به این پدیده پرداخته است. از جمله جرایمی که در قالب فحشا و جرایم جنسی در قوانین انگلیس مورد توجه قرار گرفته است را می‌توان تجاوز جنسی عنوان نمود که در مصادیقی همچون تجاوز، اجبار، قاچاق جنسی انسان، ختنه زنان، اجبار ازدواج، تحقیر جنسی، قوادی، برهنگی عمومی و فحاشی عمومی، انتقال بیماری جنسی، خرید و فروش خدمات جنسی، فحشا، دلالی و دزدی، تجاوز قانونی و کودک آزاری، سوء استفاده از موقعیت اعتماد، نضافت کودک، ایجاد و داشتن پورنوگرافی کودکان، پورن انتقامی، عدم ثبت نام به‌عنوان مجرم جنسی، زنا، لواط، حمله سادومازوخیسم، محارم بزرگسالان و کودکان، دو همسری، چندهمسری، بدجنسی، حیوان گرایی، نکروفیلیا و فروش اسباب بازی‌های جنسی را مورد مطالعه قرار داد (Stuart, 2010: 1). به‌طور کلی فحشا و جرم جنسی می‌تواند به طرق مختلفی بدون رضایت انجام شود و با توجه به این رکن، فحشا و جرم جنسی به هر گونه رابطه غیر رضایی اطلاق می‌گردد که می‌تواند به یکی از مصادیق پیش گفته انجام گردد.

تجاوز جنسی در سیستم قضایی انگلیس، یعنی «ارضای جنسی زن با اعمال زور و برخلاف میل او» حدود ۸۰ سال قبل تصویب شده بود. در این تعریف، تجاوز، تنها مقاربت واژینال (شامل نفوذ یا دخول به واژن توسط آلت تناسلی مرد)، با اجبار و عدم رضایت زن تفسیر می‌شود و تجاوزهایی از نوع مقاربت تحت زور از مقعد یا مقاربت‌های دهانی، تجاوز با یک جسم حتی اگر منجر به جراحات جدی هم می‌شد و تجاوز به مردان را پوشش نمی‌داد و در بسیاری از موارد حوزه‌های قضایی در صورتی که قربانی تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر بود یا نمی‌توانست مدارک کافی ارائه کند، شکایت را تحت تجاوز ثبت نمی‌کردند. این تعریف قدیمی بسیاری از موارد تجاوز به زنان و کلیه موارد تجاوز به مردان را به رسمیت نمی‌شناخت و از همین رو هم به‌صورت گسترده‌ای به خاطر کمتر نشان دادن واقعی تجاوزات جنسی مورد انتقاد

و قبح و ناپسندی در عیب است، نه به‌طور مطلق. سوء چیزی است که در حد ذات خود نیکو نیست، چه در صورت یا در غیر آن و در جایی که معلوم نباشد. ضرر در برابر نفع قرار دارد و در جایی است که معلوم نباشد و گاهی به خودی خود مطلوب باشد. فساد، اختلال در عمل یا رأی و در برابر صلاح می‌باشد. فصح، بر ملا شدن بدی و ظهور و اشتها آن را گویند. کراهت در قبال حب، به معنی چیزی است که مطلوب نیست. آشکار سازی گفتار بد، ابراز بخل و خست، تعدی از حق در مقام رفتار و عمل همگی از مصادیق ریشه و اساسی است که ذکر شد و عصیان اگر آشکار و شدید باشد، فاحشه و فحشا خوانده می‌شود. بدی، منکر، ظلم، زنا، گناه و... همگی از مصادیق فحشا و فاحشه می‌باشند، ولی معادل دقیق آن نیستند (مصطفوی، ۱۴۲۶: ۹/۳۶-۳۵).

جرم جنسی به طیف وسیعی از رفتارهای جنسی غیر اجتماعی اطلاق می‌شود که در قوانین هر کشوری جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است و همین مسأله وجه تمایز آن از خشونت‌های جنسی یا خشونت‌های مبنی بر جنسیت است. جرم جنسی به اشکال متعددی واقع می‌شود و تنها محدود به مقاربت‌های فاقد رضایت بزه‌دیده نمی‌شود بلکه شامل هرگونه رفتارهای جنسی غیر قانونی از لمس تا تجاوز را در بر می‌گیرد. آنچه که برای ارائه تعریف از جرم تجاوز به عنف اهمیت دارد تمایز میان اشکال مختلف جرم جنسی و خشونت جنسی است. میان واژه‌های تجاوز جنسی به عنف^۱، خشونت جنسی^۲، تعرضات جنسی^۳ و آزار جنسی^۴ و... گاهی اوقات به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. علاوه بر این معانی واژه‌ها بر حسب زمان، مکان و فرهنگ هر مملکتی متفاوت است. همچنین تعاریف حقوقی از انواع خاص خشونت جنسی ممکن است متفاوت از تعاریف پزشکی یا جامعه‌شناختی آن باشد. لذا بسیار مهم است که متخصصان و پزشکان مربوطه از تعاریف حقوقی این جرم آگاه باشند.

^۱- Rape

^۲- Sexual Violence

^۳- Sexual Ossoult

^۴- Sexual Abus

قرار می‌گرفت. در تصویب تعریف جدید، گروه‌های دولتی و کارگزاران دولتی پایه‌پای هم نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

۲- قلمرو تقنینی حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم جنسی

قلمرو تقنینی حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم جنسی در حقوق ایران و انگلیس با توجه به منشأ پذیرش آن متفاوت است که ذیلاً به بررسی سیاست تقنینی حاکم بر هر دو کشور پرداخته خواهد شد.

۲-۱- حقوق ایران

۲-۱-۱- پاسخ‌دهی پس از تحصیل ادله

پاسخ‌دهی پس از تحصیل ادله به این مفهوم است که مجازات مرتکبین جرایم جنسی پس از تحصیل ادله صورت می‌گیرد. طبق تبصره «۱» ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بازپرس مکلف است که در خصوص جرایم منافی عفت و در خصوص عدم اقرار وی در این نوع جرایم توصیه نماید.^۱ در جرایم منافی عفت، اصل بر عدم تعقیب و تحقیق است زیرا قانونگذار چنین مقرر داشته است: «تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است.» اما بر این قاعده، دو استثناء به شرح زیر وارد شده است: ۱- جرم در مرئی و منظر عام واقع شده باشد؛ ۲- شاکی خصوصی شکایت کند. در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. با

این ترتیب، قانونگذار، حق تحقیق درباره چنین جرایمی را از مقامات قضایی دادسرا سلب و به دادگاه سپرده است در این وضعیت دادستان مکلف است پرونده را با یک یادداشت اداری به دادگاه بفرستد. نکته جالبی که در قانون مشاهده می‌شود این است که در این نوع جرایم، هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم مستقیماً به قاضی دادگاه مراجعه و قصد اقرار به جرایم منافی عفت داشته باشد قاضی مکلف است وی را توصیه به عدم اقرار کند و همچنین عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد (مه‌بادی، ۱۴۰۱: ۹۴). تخلف از ماده ۱۰۲ و تبصره یک آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. به موجب ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه است که درجات یک تا چهار آن عبارتند از: ۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی، ۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی، ۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه، ۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال (خالقی، ۱۴۰۰: ۱۰۶). بنابراین به دلیل قبیح بودن جرایم منافی عفت، وادار و اجبار نمودن به اقرار و همچنین شکنجه دادن وی در جهت اخذ اقرار صحیح نمی‌باشد و از این‌رو است که ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز تذکر بازپرس را در مورد جرایم منافی عفت تجویر نموده است.

ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص انکار بعد از اقرار نیز شرایط و آثاری را معین کرده است.^۲ انکار بعد از اقرار، در هر مرحله ولو در هنگام اجرای مجازات، در جرایم پیش‌بینی شده است و در قانون از موجبات استثنایی سقوط مجازات، محسوب می‌شود. مانند کیفر رجم (سنگسار) یا حد قتل که سالب حیات است و همچنین کیفر اعدام در جرایم علیه امنیت مانند محاربه، بغی و افساد فی الارض و

۱. ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرایم مذکور در این ماده، اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه‌دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد».

۲- ماده ۱۷۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به‌جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجرای مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد.»

مشارکتی برای آن‌ها در نظر گرفته شده و به آن‌ها اجازه مشارکت در زمینه‌هایی، چون کمک به سیاست‌های قانون گذاری و قضایی اعطا شده است که در فصل چهارم این دستورالعمل مقرر گردیده است.

دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸ اهداف بسیار مهمی را دنبال می‌نماید که در ماده ۳ بدان پرداخته شده است. در ماده مزبور بیان گردیده است که: مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه با رعایت موارد زیر تحقق می‌یابد:

- (الف) رعایت کرامت انسانی
- (ب) دفاع از حقوق و آزادی‌های مشروع؛
- (پ) حفظ و احیای حقوق عامه؛
- (ت) پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با فساد؛
- (ث) بهره‌گیری از برنامه‌های عدالت ترمیمی و صلح و سازش؛
- (ج) مسؤلیت‌پذیری، همبستگی و انسجام اجتماعی؛
- (چ) حمایت از محرومان و اقشار آسیب‌پذیر؛
- (ح) محرمانگی پرونده‌های قضایی و اطلاعات طرفین و احترام به حریم خصوصی اشخاص مرتبط با پرونده.

از جهاتی نیز موضوع فعالیت سازمان‌های مردم نهاد نیز در دستورالعمل مزبور تبیین گردیده است و در ماده ۴ آن آمده است: «موضوع فعالیت نهادهای مردمی در اجرای این دستورالعمل عبارت است از: مشارکت عمومی و همکاری در راستای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری و مقابله با فساد، دفاع از آزادی‌های مشروع، پیشگیری از وقوع جرم، میانجیگری، صلح و سازش، معاضدت حقوقی و روان‌شناختی، مددکاری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، حمایت از حقوق بشر، سلامت، زنان، خانواده، اطفال و نوجوانان، بیماران یا اشخاص دارای ناتوانی جسمی و روانی، محیط زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی، امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از بزه‌دیدگان و خانواده آنها، همیاری بازپرورانه در اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و معاضدت به محکومان و حمایت از خانواده آنها».

دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸ و در بند «ث» ماده ۲۱ قانونگذار در این خصوص بیان داشته است که «شناسایی و جمع‌آوری ادله

سب النبی یا توهین به مقدسات است که موجب سقوط کیفرهای این جرایم می‌شود. ولی به جای اعدام و رجم در زنا و لواط، صد ضربه شلاق و در دیگر جرایم، با انکار پس از اقرار، مستوجب حبس تعزیری درجه پنج می‌باشد. این جرم‌انگاری و تبدیل الزامی مجازات، از ابتکارهای قانونگذار جزایی نوین است (واعظی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۵).

۲-۱-۲- پاسخ‌دهی از طریق سمن‌ها

سمن‌ها در پیشگیری از جرایم جنسی مؤثر می‌باشند. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که به موضوع زنان و پیشگیری از جرایم جنسی بر علیه آنان نیز اشاره داشته است، بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند».

یکی از مهمترین قوانین در راستای سازمان‌های مردم نهاد را می‌توان دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸ عنوان نمود که نقش و جایگاه بزه‌دیده شناسی قضایی نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است. مقدمه دستورالعمل مزبور، مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجیگری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان را برای نهادهای مردمی در نظر گرفته است و همچنین مبحث جداگانه‌ای به موضوع مشارکت در سیاست گذاری در مواد ۱۴ و ۱۵ ایجاد کرده است که بیان می‌دارد: «معاونت‌های راهبردی، حقوقی و سایر مراجع مسؤول مکلفند در فرآیند سیاست‌گذاری، تهیه و تدوین لوایح قضایی، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، حسب مورد، از تجربه و تخصص نهادهای مردمی همکار در سطوح راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی استفاده نمایند». اختصاص مبحث سوم به مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان (ماده ۲۰) و اختصاص مبحث چهارم و حق مشارکت آنان در میانجیگری و صلح و سازش (ماده ۲۳ به بعد) بیان کننده این نکته است که نقشی فراتر از تأثیر سازمان‌ها بر سیاست جنایی

مرتبط با اشخاص، گروه‌ها و مؤسسات مرتکب قاچاق زنان و کودکان»، که حمایت حداکثری و فعالیت سمن‌ها را در گردآوری ادله در فرایند دادرسی می‌رساند.

از سوی دیگر، در ماده ۴۰ دستورالعمل مارالذکر نیز بیان گردیده است که: «تهدادهای مردمی همکار می‌توانند در فرایند رسیدگی حقوقی و یا کیفری به منظور حمایت از زنان فاقد مکان سکونت اعم از خواهان، خوانده، بزه‌دیده، متهم یا مجرم جهت اسکان ایمن موقت آنان اقدام نمایند».

در خصوص قاچاق انسان، جایی که زنان زندانی باشند، یا فاقد اسناد هویت باشند، یا در مکانی قرار گرفته باشند که موقعیت خود را نمی‌شناسند، این تعریف موسع، مفید خواهد بود، زیرا نه تنها شامل مواردی می‌شود که اجبار فیزیکی ممکن است برای استثمار جنسی استفاده شود، بلکه شامل مواردی هم خواهد شد که قربانی آنقدر روحیه‌اش تضعیف شده که نمی‌تواند اراده‌اش را برای اعلام رضایت جهت کار به‌عنوان فاحشه به‌طور مؤثر اعمال نماید (ذاقلی، ۱۳۸۸، ۱۹۵-۱۹۴).

۲-۱-۳- پاسخ‌دهی از طریق جرم‌انگاری و مجازات

پاسخ‌دهی از طریق جرم‌انگاری و مجازات، یکی دیگر از سیاست‌های تقنینی است که در راستای جرایم جنسی از اهمیت برخوردار است. برای مثال، نزدیکی آگاهانه مرد بالغ، عاقل، قاصد و مختار با زنی بدون اینکه بین آن‌ها، عقد نکاح یا شبهه‌ای در خصوص چنین عقدی یا شبهه‌ای در نزدیکی وجود داشته باشد را زنا گویند. اقسام و شرایط تحقق جرم زنا و راه‌های اثبات آن و همچنین کیفر و نحوه اجرای مجازات این جرم در مورد ۲۲۱ تا ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردیده است.

در کشور انگلستان، تنها، اقسام خاصی از آموزش جنسی از روی رضایت، جرم‌انگاری شده است. از جمله این جرایم، زنا با خویشاوندان است که به موجب مواد ۱۰ و ۱۱ قانون جرایم جنسی مصوب ۱۹۵۶ جرمی است که برحسب سن بزه‌دیده، از مجازات‌های متفاوتی برخوردار است. براساس این قانون، صرف وجود رابطه خویشاوندی برای اثبات جرم کافی است و منظور از خویشاوند در مورد مردان بزه کار، دختر و نوه

دختر، خواهر یا مادر وی و برای یک زن، پسر و نوه پسر، پدر یا برادر وی می‌باشد. کیفر این جرم نیز به موجب مواد ۱۰ و ۱۱ قانون جرایم جنسی مصوب سال ۱۹۵۶ بدین صورت است که اگر نسبت به یک دختر زیر ۱۳ سال مرتکب این جرم شود، مجازاتش تا حبس ابد است و شروع به آن نیز، همین اندازه مجازات دارد. اما اگر بزه‌دیده بالای ۱۳ سال باشد، در موردی که عمل به‌صورت کامل انجام پذیرد مجازات آن، تا ۷ سال حبس و در صورتی که عمل انجام شده، شروع به این جرم تلقی شود، مجازات تا ۲ سال حبس برای مرتکب مقرر می‌شود. ضمن اینکه، تحریک به آمیزش جنسی با محارم نیز، به اندازه شروع به این جرم، یعنی تا ۲ سال حبس کیفر خواهد داشت (معمدی‌مهر، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

۲-۱-۴- پاسخ‌دهی از طریق پیشگیری کنشی و واکنشی

در جهت نابودی و ریشه‌کن نمودن جرایم جنسی می‌بایست زمینه‌های لازم در جهت پیشگیری از این نوع جرایم در حقوق نوشته‌های یک کشور موجود باشد تا زمینه‌های گسترش این گونه جرایم به چشم نیاید. جرایم ناشی از فحشا می‌تواند زنا، لواط، مساحقه، شرب خمر، قوادی و هر نوع بزه جنسی و غیر اخلاقی باشد که در حقوق ایران و حقوق اسلامی، جرم‌انگاری شده و برای اینگونه جرایم نیز مجازات در نظر گرفته شده است. با این وجود می‌توان بیان نمود که در گسترش فحشا، عوامل مختلفی می‌توانند مؤثر واقع گردند که با تدابیری که در حقوق نوشته هر کشوری وجود دارد می‌توان با توجه به پیشگیری‌های جامعه‌وی یا رشد مدار از وقوع چنین آسیب‌هایی بر جامعه جلوگیری کرد.

به نظر می‌رسد در راستای پیشگیری از جرایم جنسی می‌توان بهترین نوع پیشگیری را پیشگیری کیفری عنوان داشت که در مقایسه با پیشگیری غیر کیفری، عملکرد بهتری دارد. پیشگیری کیفری در جرایم جنسی با به‌کارگیری ابزارهای حقوق کیفری اعمال می‌شود و از طریق ارباب، ناتوان‌سازی و بازپروری به پیشگیری از ارتکاب جرم می‌پردازد. پیشگیری قضایی یا کیفری تداعی‌بخش گام‌های آغازین در تاریخ حقوق کیفری است که با استفاده از خصوصیات اربابی و بازدارندگی مجازات، در پی مقابله با جرم و پیشگیری در

سطح فردی و جمعی بوده است. با توجه به بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» را از وظایف قوه قضاییه قرار داده است، بند «ب» ماده یک قانون پیشگیری از جرم را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد ذکر نمود. به موجب این بند «پیشگیری قضایی عبارت است از تدابیر و اقدامهای دستگاه قضایی در خصوص اصلاح مجرمان و استفاده مناسب از قرارهای تأمینی و ضمانت اجراها و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری». این نوع پیشگیری بعد از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد و هدف آن جلوگیری از تکرار جرم در آینده است (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۵).

پیشگیری وضعی، نوعی از پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر وضعیت و موقعیت، زمان و مکان وقوع جرمی همچون جرایم جنسی دارد؛ به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزه‌کار سخت‌تر می‌شود، یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود و یا خطر شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد. این اقدامات مقدم بر وقوع جرم است؛ بنابراین پیشینی نیز نامیده می‌شود. این اقدامات ممکن است ناظر به وظایف و تکالیف نهادهای پلیسی باشد. این نوع از پیشگیری وضعی، پیشگیری انتظامی یا پلیسی نامیده می‌شود (مانند حضور پلیس در جامعه از طریق گشت‌های سیار، پاسگاه‌ها، کلانتری‌ها و نظایر آنها، استفاده از تجهیزات فنی نظیر دوربین مدار بسته در اماکن عمومی، انگشت‌نگاری اجباری در فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافربری و ایجاد پست‌های ایست و بازرسی سیار در گلوگاه‌ها) (شیری، بی‌تا: ۱۹). با این وجود، منظور از پیشگیری وضعی در این تقسیم‌بندی همانند سایر تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها مداخلاتی است که برای جلوگیری از وقوع جرم به ویژه از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش خطر ارتکاب جرم طراحی شده است.

در تعاریف مختلفی که درباره پیشگیری وضعی از جرم ارائه شده‌اند، دو رکن اساسی در پیشگیری وضعی دیده می‌شود: دشوار کردن و کاهش امکان ارتکاب جرم و از بین بردن جذابیت‌های جرم که محرک فرد به ارتکاب جرم است. فرینگتون و ولش در تعریفی مختصر ارکان اساسی پیشگیری

وضعی یا موقعیت‌مدار را این گونه بیان کرده‌اند: «پیشگیری وضعی به مداخلاتی اشاره دارد که برای جلوگیری از وقوع جرم از طریق کاهش فرصت‌ها و افزایش خطر و دشواری ارتکاب جرم طراحی شده‌اند.» (شیری، بی‌تا: ۲۶) پیشگیری وضعی فرایند مشهور گذار از اندیشه به عمل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقداماتی به عمل می‌آورد تا این فرایند را قطع کند. عوامل مؤثر در این فرایند از یک سو انگیزه و تمایل درونی مجرم است و از سوی دیگر شرایط پیرامونی وی و اوضاع و احوال موقعیت ارتکاب جرم هدف پیشگیری و صغی به هم زدن وضعیت ماقبل بزهکاری و یا انجام اقداماتی در آن وضعیت است که این اقدامات دو جهت‌گیری عمده دارند: کاهش وضعیت‌های مُعد ارتکاب جرم و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۶). این نوع پیشگیری می‌تواند بهترین نوع از پیشگیری‌های جرایم خشونت آمیز کودکان با القاء گرفتن از برنامه‌های رسانه‌های گروهی یا جمعی باشد.

۲-۲- حقوق انگلیس

تجربه موفقیت‌آمیز استفاده عملی برنامه‌ریزان کشور انگلستان از سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از انواع مختلف جرایم جنسی علیه زنان و کودکان، به‌ویژه در زمینه بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی می‌تواند الگویی مناسب برای سیاست‌گذاران اجتماعی ایران در اعتماد به نهادهای مردمی در حمایت از بزه‌دیدگان باشد. البته برای موفقیت هرچه بیشتر راهکارهای موقعیت‌مدار و فنی درباره این‌گونه جرایم باید از نیروهای پلیس آموزش‌دیده و متخصص در اجرای برنامه‌های حمایتی از بزه‌دیدگان جرایم جنسی استفاده کرد.

در انگلستان نیز مسأله گونه‌های خاص بزه‌دیدگان و حمایت از آنان به‌طور وسیعی مورد توجه سیاستمداران و مسؤولان در بخش‌های دولتی و غیردولتی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال می‌توان به قوانین و مقررات خاص وضع شده برای اشخاص آسیب‌پذیر از سوی مجلس این کشور اشاره کرد؛ به گونه‌ای که حتی در پاره‌ای از موارد عناوین انتخاب شده برای قوانین نشانگر اهمیت و جایگاه خاص این دسته از بزه‌دیدگان برای سیاست‌گذاران آن کشور خواهد بود، مانند قانون آیین دادرسی

روابط جنسی با رضایت طرفین آزاد است و طبیعی است که عنصر تجاوز به عنف در این قبیل کشورها عدم رضایت باشد لیکن در کشورهایی نظیر ایران حتی رضایت طرفین به عمل جنسی از عناصر عمل مجرمانه محسوب می‌شود و به‌کارگیری ضابطه عنف عنوان مجرمانه دیگری به عمل می‌دهد. اما به نظر می‌رسد برای تحقق این جرم بهتر باشد به‌جای استفاده از ضابطه عنف از ملاک عدم رضایت استفاده نماییم زیرا ضمن اختلاف نظرهای متعددی که بر سر راه این مفهوم وجود دارد، در بسیاری موارد امکان اثبات آن موجود نیست. در برخی موارد، فرد ناتوان از مقاربت است، یا حتی در مواردی در دادگاه مشاهده شده که بزه‌دیده برای رهایی از ضرب‌وجرح و برای جلوگیری از دخول، وانمود به همراهی با مرتکب نموده است؛ در این موارد عنف به‌صورتی که قابل اثبات عمل تجاوز باشد تحقق نیافته است. در برخی موارد هرچند که طرفین رضایت به برقراری رابطه دوستی دارند ولی این مسأله حاکی از رضایت به عمل جنسی نیست و در صورت وقوع تجاوز به دلیل این ضابطه، امکان اثبات وجود ندارد و مرتکب به راحتی از اجرای قانون می‌گریزد یا به مجازاتی کمتر محکوم می‌شود.

با بررسی و جستجویی که نگارنده انجام داده اولین قانون مدونی که توسط مجلس قانونگذاری انگلستان در خصوص تعرضات جنسی به تصویب رسیده است به سال ۱۸۲۴ یعنی حدود دو قرن پیش برمی‌گردد. در این سال قانون ولگردی^۲ به تصویب می‌رسد. در این قانون برای اولین بار تعرضات جنسی غیر فیزیکی نظیر ارتکاب رفتار شهوت‌انگیز^۳ و ناپسند چون عورت‌نمایی و افشای وقیحانه^۴ و همچنین تصویب و تشویق کودکان به ارتکاب چنین عملی پیش‌بینی و مورد جرم‌انگاری قرار گرفت. همچنین جرایمی چون به نمایش گذاردن تصاویر مستهجن در اماکن عمومی و معبر در این قانون پیش‌بینی شد که البته در سال ۱۹۸۱ توسط قانون «کنترل نمایش وقیحانه»^۵ و همچنین سال ۲۰۰۳ توسط

کیفری (اشخاص آسیب‌پذیر) مصوب ۲۰۰۷ میلادی و اصلاحی قانون آیین دادرسی ۱۹۸۶؛ قانون حفاظت و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر ۲۰۰۶^۱. همچنین در این کشور در قالب ایجاد شرکت و حتی گروه‌های مذهبی، رهنمودها و دستورالعمل‌های متعددی در زمینه حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر وضع شده است که در آن‌ها به تعریف اشخاص آسیب‌پذیر، گونه‌های آن، اصول، روش‌ها و اهداف حمایت از آنان پرداخته شده است. این امر حاکی از تلاش‌های گوناگون انجام گرفته در این کشور توسط مقامات بخش‌های مختلف دولتی و غیر دولتی در این‌باره است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به برخی از رهنمودهای جامع کلیسایی مجلس اداره اسقف انگلستان اشاره کرد؛ مانند تعهد به احترام نسبت به تمامی افراد آسیب‌پذیر در جامعه کلیسایی، تعهد به حمایت از افراد آسیب‌پذیر، انتخاب و آموزش افرادی که در درون جامعه کلیسایی مسؤولیتی نسبت به این افراد دارند، پاسخ سریع و بدون تأخیر به شکایت و اعلام جرم‌های ارتکاب یافته نسبت به این اشخاص و همکاری با پلیس و مقامات محلی در تحقیق و بازرجویی، برخورد توأم با احترام و شان این دسته از افراد، حق برخورداری این اشخاص از حمایت‌های حقوقی، اطلاع رسانی از طریق وب سایت و غیره، ارائه خدمات به آن‌ها، به‌کارگیری و استخدام یک فرد مذهبی به منظور ترساندن افرادی که قصد بهره‌کشی و سواستفاده از اشخاص آسیب‌پذیر را دارند. همچنین دستورالعمل‌ها و رهنمودهای دیگر در انگلستان در قالب طرح‌های حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر توسط این بخش‌ها تهیه شده است.

نکته دیگر اینکه آنچه در نزد محاکم مهم است، احراز عنف بودن عمل است نه صرف عدم رضایت زن. برای اثبات عنصر روانی این جرم در کشور انگلستان، صرف عدم رضایت زن کافی است. نکته دیگر اینکه براساس قوانین موجود، مرد باید در اثنای عمل جنسی، علم بر عدم رضایت داشته باشد و اینکه نسبت به آن مسامحه و بی‌اعتنایی کرده باشد (معمدی‌مهر، ۱۳۸۰: ۱۶۳). به‌کارگیری ضابطه عدم رضایت متناسب با فضای فرهنگی انگلستان است زیرا در این کشور

^۲- Vagrancy Act, 1824.

^۳- Lewd and Lascivious Conduct.

^۴- Indecent Exposure.

^۵- Indecent Display (Control) Act, 1981.

^۱- Safeguarding Vulnerable Group Act (2006).

«قانون جرایم جنسی» مواد مربوط به این دسته از جرایم به‌طور کامل نسخ شد.

پس از این در سال ۱۸۳۹ «قانون پلیس کلان شهر» و در سال ۱۸۴۷ «قانون ضوابط پلیس شهری» به تصویب رسید که این قوانین، که هر دو در حال حاضر منسوخ هستند، جرایمی چون ایجاد انواع مزاحمت‌های جنسی به طرق مختلف، از قبیل توهین و متلک‌گویی جنسی، ارتکاب رفتار وقیحانه در حال مستی در معبر عام، افشای وقیحانه و نمایشگری جنسی در خیابان و... مورد پیش‌بینی قرار گرفت.

پس از آن در سال ۱۸۶۱ «قانون جرایم علیه اشخاص» به تصویب مجلس انگلستان رسید. این اولین قانون مصوبی بود که به‌طور اختصاصی و تقریباً گسترده به پیش‌بینی جرایم جنسی و بالاخص تعرضات جنسی می‌پرداخت. در این قانون فصلی به‌عنوان «تجاوز به عنف، بازداشت غیر قانونی به قصد تجاوز و به فساد کشیدن زنان» وجود داشت که در آن جرایمی چون تجاوز به عنف، بسترسازی و فراهم کردن مراوده جنسی با دختر زیر ۲۱ سال توسط استفاده از فریب و نیرنگ، مراوده جنسی با دختر زیر ۱۰ سال و ۱۲ سال، حمله و تماس جنسی به عنف علیه زنان، ربودن زن به قصد تجاوز به وی، تعرض جنسی به یک مرد به قصد لواط با وی و هرگونه تعرض جنسی و تماس جنسی به عنف علیه مردان و بسیاری دیگر جرایم و تعرضات جنسی پیش‌بینی شد. مواد مربوط به تعرضات جنسی در این قانون در سال ۱۸۷۵ و ۱۸۸۵ به‌طور محدودی نسخ شد و در نهایت این قانون در سال ۱۹۵۶ توسط «قانون جرایم جنسی» به‌طور کامل نسخ گردید.

بعد از گذشت ۵۰ سال، قانونگذار انگلستان به این نکته پی برد که قوانین انگلستان در خصوص جرایم جنسی کامل و جامع نیست و رویه قضایی مبتنی بر حقوق عرفی نیز به دلایل وجود اختلاف نظر زیاد بین قضات کارآمدی خود را از دست داده است. بنابراین به فکر تصویب قانونی تخصصی در خصوص جرایم جنسی افتاد که در آن به شکل جامع و فراگیر تمامی جرایم جنسی را پیش‌بینی کرده و این خلأ قانونی را پر

کند. در نتیجه این توجه «قانون جرایم جنسی» در سال ۱۹۵۶ تصویب شد.

این قانون که متشکل از چندین فصل با عناوینی چون «آمیزش جنسی با زور و یا تهدید و ارباب»، «آمیزش جنسی با دختران زیر ۱۶ سال»، «زنا با محارم»، «جرایم غیر طبیعی»، «تعرضات و تهاجمات جنسی» «ربودن و بازداشت غیرقانونی انسان»، «فحشا و بستر سازی برای آن»، «اداره فاحشه خانه» و... بود، تا سال‌ها پایه و اساس جرایم و تعرضات جنسی در انگلستان قرار گرفت و در سال ۱۹۹۴ توسط «قانون عدالت کیفری و نظم عمومی»^۱ به‌طور کامل تغییر کرد و یا مواد مربوط به آمیزش معلولین در سال ۱۹۵۹ توسط «قانون بهداشت روانی»^۲ نسخ شد و مواد مربوط به جرم‌انگاری لواط و اعمال منافی عفت غیر از لواط میان مردان در سال‌های مختلف دچار تغییرات عمده‌ای شد و بارها مورد اصلاح قرار گرفت؛ به این ترتیب که ابتدا در سال ۱۹۶۷، سپس در سال ۱۹۹۴ و بعد از آن در سال ۲۰۰۰ اصلاح شد و در نهایت در سال ۲۰۰۳ نسخ شد. آنچه که درباره این قانون قابل توجه است، ابتدا این نکته که در این قانون احکام ویژه‌ای در خصوص شروع به تعرضات پیش‌بینی شد، ثانیاً این قانون به‌طور کامل در سال ۲۰۰۳ توسط «قانون جرایم جنسی» نسخ شد و از سال ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۳ به حیات خود ادامه داد. البته لازم به ذکر است که موادی از این قانون که در مورد اداره فاحشه‌خانه است با کمی اصلاح هنوز معتبر بوده و نسخ نشده است.

لازم به ذکر است که براساس یافته‌های نظریه‌پردازان انگلیسی، بیکاری تأثیر مثبتی بر نرخ جرایم ارتكابی بزهکاران پسر دارد، در حالی که در مورد دختران چنین تأثیری فوق‌العاده در جرایم جنسی نیست. آنان خاطر نشان کرده‌اند که بیکاری بر دو جنس دختر و پسر، تأثیر یکسانی نمی‌گذارد و بنابراین نرخ جرایم ارتكابی آنان نیز متفاوت است. با این وجود، در تحقیقات دیگر بر تأثیر بیکاری بر دختران و افزایش نرخ جرایم ارتكابی آنان تأکید شده است (Box & Hale, 1983: 35-49).

^۱ - Criminal Jastic and Public Order Act, 1994.

^۲ - Mental Heal.

نتیجه‌گیری

سیاست تقنینی حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم جنسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان با توجه به منشأ آن متفاوت است. در نظام حقوقی ایران که پیشگیری و پاسخ‌دهی از جرایم جنسی به صورت کیفری و غیر کیفری مورد مطالعه قرار گرفته است، مقررات مختلفی در راستای مبارزه با جرایم جنسی در حقوق ایران وضع گردیده است که می‌توان در قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات‌های تعزیری، قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مورد بررسی قرار داد. بر خلاف حقوق ایران، در حقوق انگلیس قوانین مختلفی در راستای پیشگیری از جرایم جنسی وضع گردیده است. روند قانونگذاری در انگلستان در حوزه جرایم جنسی، علی‌رغم اینکه نظام حقوقی این کشور مبتنی بر حقوق عرفی یا حقوق نانوشته است از حدود دو قرن پیش آغاز شده است و تکامل یافته‌تر شده و این امر به تطابق این قوانین با خواست و نیاز جامعه در زمان کمک کرده است. با دقت به آنچه که آمد و با توجه به سیر قانونگذاری در ایران و نگاه مقایسه‌ای با کشوری چون انگلستان به این نتیجه خواهیم رسید که موضوع مهم و پراهمیتی چون جرایم (و از همه مهم‌تر تعرضات) جنسی در کشورمان محجور مانده است و با قوانین قدیمی و پوسیده که بعضاً مبتنی بر نظارت فقه‌های صدر اسلام تدوین یافته است، به مبارزه با این پدیده شوم پرداخته شده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست و نظارت بر آن توسط سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در انجام این مقاله به نگارندگان کمک نموده‌اند، تشکر می‌نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- خالقی، علی (۱۴۰۰). نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری. تهران: چاپ هجدهم، شهردانش.
- ذاقلی، عباس (۱۳۸۸). «بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان». پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱(۲۶): ۲۰۴-۱۸۱.
- شیرزی، عباس (بی‌تا). درآمدی بر پیشگیری وضعی و گونه‌های آن. چاپ اول، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- معتمدی‌مهر، مهدی (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت. چاپ اول، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی. چاپ اول، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- مهابادی، علی اصغر (۱۴۰۱). آئین دادرسی کیفری کاربردی. چاپ هفتم، تهران: دوراندیشان.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۲). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌مدر). چاپ دوم، تهران: سمت.
- واعظی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). ادله اثبات دعوی در امور کیفری. چاپ اول، تهران: جاودانه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنایی. مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- ابن منظور، جمال الدین (۱۳۷۶). لسان العرب. جلد دهم، چاپ اول، بیروت: دار الصادر.

- اصفهانی، راغب (۱۳۸۳). *مفردات*. به تحقیق مریم مرعشی، چاپ اول، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. جلد چهارم، چاپ اول، تهران: مکتبه المرتضویه.
- فیروزآبادی، مجدالدین (بی‌تا). *قاموس المحيط*. جلد دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ب. منابع انگلیسی
- Box, S & Hale, Ch (1983). "Liberation and Female Criminality in England and Wales". *British Journal of Criminology*, 23.
- Stuart, G (2010). *What Are the Sexual Offences?*. London: N.P.